

« اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ »

۱. مقامات معنوی فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) در شمار برترین مقامات معنوی آحاد معدودی از بشریت است. ایشان معصومند؛ عصمت، ویژه‌ی معدودی از برگزیدگان الهی در میان آحاد بشر است؛ و این بزرگوار - فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) - از آن جمله است، با توجه به این واقعیت که این زن مسلمان و مجاهد فی سبیل الله تنها حدود بیست سال - حالا با اختلاف روایات از هجده سال تا بیست و پنج سال - سنّشان بوده؛ زن جوان دارای این مرتبه‌ی عالی از معنویت که در ردیف اولیاء و پیامبران و مانند اینها قرار می‌گیرد و از سوی فرستادگان الهی « سَيِّدَةُ نَسَاءِ الْعَالَمِينَ » نام می‌گیرد. در کنار این مقام معنوی بُروز خصلتهای برجسته و کارکردهای مهم در زندگی شخصی این بانوی بزرگوار هر کدام یک درس است. تقوای او، عفت و طهارت او، مجاهدت او، شوهرداری او، فرزندداری او، سیاست‌فهمی او، حضور او در مهم‌ترین عرصه‌های حیات یک انسان در آن دوره - چه در دوران نوجوانی و کودکی، چه در دوران بعد از ازدواج - هر کدام یک درس است؛ نه فقط درس است برای شما بانوان، [بلکه] برای همه‌ی بشریت درس است. (۹۳/۱/۳۰)
۲. مقام والای دختر پیامبر اعظم را باید از پروردگار و اولیاء الهی شنید و آموخت، همچنان که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در وصف آن بانو، تعبیر بلند برترین زنان اهل بهشت را بیان فرموده است و شیعه و سنی بر صحت این روایت، اتفاق نظر دارند. (۹۶/۱۲/۱۷)
۳. فاطمه زهرا فجر درخشانی است که از گریبان او، خورشید امامت و ولایت و نبوت درخشیده است؛ آسمان بلند و رفیعی است که در آغوش آن، ستاره‌های فروزان ولایت قرار گرفته است. همه ائمه علیهم‌السلام برای مادر بزرگوار خود تکریم و تجلیلی قائل بودند که برای کمتر کسی این همه احترام و تجلیل را از آن بزرگواران می‌شود دید. (۷۶/۷/۳۰)
۴. بعد از پیروزی انقلاب، درباره مسأله زن و تلاش برای دفاع از حقوق زنان، فعالیت‌های زیادی شده است. در حقیقت باید گفت که بعد از انقلاب، از زن ایرانی تجلیل شده است. پیش قراول این تجلیل هم امام بزرگوار بود که با همه وجود برای زن ایرانی مسلمان ارزش و احترام قائل بود. همین بینش بود که موجب شد زنان کشور در انقلاب اسلامی سهم بزرگی را ایفا کردند؛ به طوری که اگر حضور زنان در نهضت انقلابی ملت ایران نمی‌بود، به احتمال زیاد این انقلاب به این شکل پیروز نمی‌شد؛ یا اصلاً پیروز نمی‌شد، یا مشکلات بزرگی در سر راه آن پدید می‌آمد. بنابراین، حضور زنان مشکل‌گشا بود. در جنگ هم همین طور بود، در مسائل دیگر از اول انقلاب تا به حال هم همین‌گونه بوده است. بنابراین، تلاش زیادی شده است؛ لیکن در عین حال درباره مسأله‌ی زن، حقوق زن، رفع ستم از زنان و فراهم کردن زمینه‌های مناسب برای زنان کشورمان، لازم است کار فرهنگی بزرگی انجام گیرد. (۷۶/۷/۳۰)
۵. در انقلاب اسلامی و در دفاع مقدس، زنانی ظهور کردند که می‌توانند تعریف زن و حضور او در ساحت رشد و تهذیب خویش، و در ساحت حفظ خانه‌ی سالم و خانواده‌ی متعادل، و در ساحت ولایت اجتماعی و جهاد امر به معروف و نهی از منکر و جهاد اجتماعی را جهانی کنند و بن‌بستهای بزرگ را درهم بشکنند. اقتدار و جذبه‌ی تازه‌ای به برکت خون این زنان مجاهد در عصر جدید، ظهور کرده است که زنان را ابتداء در جهان اسلام، تحت تأثیر قرار داد و دیر یا زود در سرنوشت و جایگاه زنان جهان، دست خواهد برد. (۹۱/۱۲/۱۶)
۶. این همه زنان دانشمند، استاد در رشته‌های مختلف علمی، در علوم حوزوی، در علوم دانشگاهی همه نشان‌دهنده‌ی مؤفقیّت جمهوری اسلامی است. نگاه من، این نگاه است. این نگاه، دل را به آینده امیدوار می‌کند. ما با همین حرکت و با همین

شتاب ان شاء الله پیش برویم، قطعاً خواهیم توانست بر فرهنگ غلط غربی و رائج در دنیا فائق بیائیم. باید کار کرد، باید تلاش کرد، باید دنبال گیری کرد. نگاه، نگاه خوشبینانه است؛ منتها این نگاه خوشبینانه نباید مانع بشود از اینکه ضعفها را ببینیم. (۹۰/۳/۱)

۷. «زنِ اسلامی» موجودی است دارای ایمان، عفاف، رشد علمی و معنوی، اثرگذار در اجتماع، مدیر خانواده و مایه‌ی آرامش مرد و در کنار آن برخوردار از خصوصیات زنانگی مثل لطافت و آمادگی برای دریافت انوار الهی. (۹۶/۱۲/۱۷)

۸. اگر جامعه اسلامی بتواند زنان را با الگوی اسلامی تربیت کند - یعنی الگوی زهرایی، الگوی زینبی، زنان بزرگ، زنان با عظمت، زنانی که می‌توانند دنیا و تاریخی را تحت تأثیر خود قرار دهند - آن وقت زن به مقام شامخ حقیقی خود نائل آمده است. اگر زن در جامعه بتواند به علم و معرفت و کمالات معنوی و اخلاقی ای که خدای متعال و آیین الهی برای همه انسانها - چه مرد و چه زن - به طور یکسان در نظر گرفته است، برسد، تربیت فرزندان بهتر خواهد شد، محیط خانواده گرمتر و با صفاتر خواهد شد، جامعه پیشرفت بیشتری خواهد کرد و گره‌های زندگی آسانتر باز خواهد شد؛ یعنی زن و مرد خوشبخت خواهند شد. برای این باید تلاش کرد؛ هدف این است. هدف، صف‌آرایی زن در مقابل مرد نیست. هدف، رقابت خصمانه زن و مرد نیست. هدف این است که زنان و دختران بتوانند همان سیر و همان حرکتی را انجام دهند که وقتی مردان آن حرکت را انجام دهند، به صورت یک انسان بزرگ در خواهند آمد؛ زنان انسان بزرگ شوند. این ممکن است و در اسلام تجربه شده است. (۷۶/۷/۳۰)

۹. در مقابل الگوی اسلامی، الگوی انحرافی زن غربی وجود دارد که به‌جای همه‌ی خصوصیات برجسته و ممتاز زن اسلامی، شاخصه‌هایی همچون برهنگی و جلب نظر و التذاذ مردان را در خود دارد. (۹۶/۱۲/۱۷)

۱۰. امروز زن غربی مظهر مصرف، آرایش، جلوه‌گری مقابل مردان و وسیله‌ی هیجان جنسی است. (۹۶/۱۲/۱۷)

۱۱. بانوان ایرانی با حفظ حجاب، استقلال هویتی و فرهنگی خود را به دنیا صادر و این سخن جدید را اعلام می‌کنند که زن می‌تواند با حفظ حجاب و عفاف و جلوگیری از سوء استفاده مردان بیگانه و زیاده‌طلب، در میادین اجتماعی حضور فعال و مؤثر داشته باشد. (۹۶/۱۲/۱۷)

۱۲. زن، محترم است و هیچ‌کس مخالف حضور او در میادین اجتماعی و تحصیل علم و کسب مسئولیت نیست. (۹۶/۱۲/۱۷)

۱۳. این هنر انقلاب اسلامی است که امروز زنان ایرانی جزو بهترین دانشمندان و شخصیت‌های فرهنگی هستند، زیرا قبل از انقلاب اینگونه نبود و تعداد زنان برتر در بخشهای علمی و فرهنگی بسیار محدود بود. (۹۶/۱۲/۱۷)

۱۴. [باید اجازه داد مردم خودشان حجاب را انتخاب کنند.] این حرف غلط است زیرا ما آن زمان بودیم و خبر داریم که امام بزرگوار در مقابل این منکر واضح که به‌دست پهلوی‌ها و دنباله‌های آنها در کشور ایجاد شده بود، همچون همه منکرات مثل کوه، محکم ایستاد و گفت حجاب باید وجود داشته باشد. (۹۶/۱۲/۱۷)

۱۵. [باید اجازه داد مردم خودشان حجاب را انتخاب کنند.] این حرف را درباره همه گناهان اجتماعی می‌توان گفت؛ مثل آن که بگویند فروش مشروبات الکلی آزاد شود و هر کس خواست بخورد یا نخورد؛ آیا این حرف درست است؟ (۹۶/۱۲/۱۷)

۱۶. نظام اسلامی با فردی که در خانه خود و در مقابل نامحرم حجاب ندارد، کاری ندارد، اما کاری که در خیابان و در ملاء عام انجام می‌شود در واقع کار و تعلیم عمومی است و برای نظام برآمده از اسلام، تکلیف ایجاد می‌کند. (۹۶/۱۲/۱۷)

۱۷. کار حرام، بزرگ و کوچک ندارد و آنچه حرام شرعی است، نباید به صورت آشکار انجام شود، زیرا شارع اسلامی بر حکومت تکلیف کرده مانع انجام حرام علنی شود. (۹۶/۱۲/۱۷)

۱۸. باید جلوی هرگونه تخلف از سیاست‌های اسلامی گرفته شود و مسئولان باید کار و قوانین را به نحوی پیش ببرند که اهداف اسلام تأمین شود نه اهداف دشمنان. (۹۶/۱۲/۱۷)

۱۹. ولنگاری و اسیر دست‌بسته‌ی فرهنگ غرب بودن، آزادی نیست بلکه آزادی یعنی ایمان، فکر، فرهنگ و الگوی اسلامی خود را داشته باشید و دنبال کنید. (۹۶/۱۲/۱۷)

۲۰. خواهران من! دختران من! بانوان کشور اسلامی! بدانید، در هر زمانی، در هر محیط کوچکی و در هر خانواده‌ای که زنی با این تربیت توانست رشد کند، همان عظمت را پیدا کرد. مخصوصاً صدر اسلام نبود؛ حتی در دوران اختناق، حتی در دوران حاکمیت کفر هم این ممکن است. اگر خانواده‌ای توانستند دختر خودشان را درست تربیت کنند، این دختر یک انسان بزرگ شد. ما در ایران هم داشتیم، در زمان خودمان هم داشتیم، در خارج از ایران هم داشتیم. در همین زمان ما، یک زن جوان شجاع عالم متفکر هنرمندی به نام خانم «بنت‌الهدی» - خواهر شهید صدر - توانست تاریخی را تحت تأثیر خود قرار دهد، توانست در عراق مظلوم نقش ایفا کند؛ البته به شهادت هم رسید. عظمت زنی مثل بنت‌الهدی، از هیچیک از مردان شجاع و بزرگ کمتر نیست. حرکت او، حرکتی زنانه بود؛ حرکت آن مردان، حرکتی مردانه است؛ اما هر دو حرکت، حرکت تکاملی و حاکی از عظمت شخصیت و درخشش جوهر و ذات انسان است. این‌گونه زنهایی را باید تربیت کرد و پرورش داد. (۷۶/۷/۳۰)

۲۱. امروز وقتی ما نگاه می‌کنیم، نام زنان ما بر تارک کتابهای متعددی - کتابهای علمی، کتابهای پژوهشی، کتابهای تاریخی، کتابهای ادبی، کتابهای سیاسی، کتابهای هنری - گذاشته شده؛ جزو برترین نوشته‌ها و آثار مکتوب امروز نظام اسلامی - چه مقالات و چه کتابها - نوشته‌های بانوان ما است، که این واقعاً مایه‌ی افتخار است. در تاریخ ما بی‌سابقه است؛ ما دوره‌های گوناگون را دیدیم، آشنا هم بودیم با فضای فرهنگی کشور؛ ما هرگز این‌همه انسان برجسته‌ی در زمینه‌های مختلف - چه در مسائل حوزوی، چه در مسائل دانشگاهی - نداشتیم. در کنار اینها، بروز و ظهور کاملاً برجسته‌ی هویت و شخصیت مستقل زن ایرانی، در عرصه‌ی مجاهدتها، از جمله در دفاع مقدس و دنباله‌های آن تا امروز؛ این همه همسران شهداء، همسران جانبازان، مادران شهیدان، بازماندگان برجسته‌ی کسانی که رفتند جانشان را در راه خدا دادند و اینها با اراده‌ی محکم، عزم راسخ و با صبر، هر انسانی را در مقابل خودشان خاشع و خاضع می‌کنند. بنده که حقیقتاً هروقت با این زنان برجسته مواجه می‌شوم، در مقابل آنها احساس خضوع می‌کنم. بنده زیاد برخورد می‌کنم با مادران شهیدان، با همسران شهیدان، با همسران جانبازان؛ این بانوی فداکاری که یک عمر زندگی خودش را می‌گذارد برای مدیریت کردن و بهبود بخشیدن به زندگی یک معلول و جانباز، برای خاطر خدا؛ این چیز کوچکی نیست، اینها به زبان آسان است. آن مادری که دو فرزند، سه فرزند، چهار فرزند را در راه خدا داده و همچنان محکم ایستاده، به ما سفارش می‌کند که بایستید؛ محکم باشید! انسان واقعاً در مقابل این‌همه عظمت احساس خضوع می‌کند. اینها واقعیت‌های زنان جامعه‌ی ما است که بسیار افتخارآمیز و مهم است. (۹۳/۱/۳۰)

۲۲. در جامعه خودمان هم از این قبیل زنان زیاد داشتیم. در دوران اختناق هم کم‌وبیش داشتیم. در دوران مبارزات، بعد در دوران نظام اسلامی، زنان بزرگ؛ این زنانی که توانستند شهیدانی را پرورش دهند؛ این زنانی که توانستند شوهران یا فرزندان خود را به صورت انسانهای فداکاری درآورند که بروند و از کشور و انقلاب دفاع کنند؛ از هستی ملت و از آبروی

ملت دفاع کنند. اینها زنان بزرگی هستند. این زنان بودند که توانستند این کار بزرگ را بکنند، و من موارد متعددی را شاهد بودم. (۷۶/۷/۳۰)

۲۳. مسئله‌ی ظلم به زنان را کسی خیال نکند که مخصوص جوامع عقب‌افتاده یا جوامع مثلاً فرض کنید وحشی [است]؛ نه، در جوامع به اصطلاح متمدن امروز، این ظلم به جامعه‌ی زنان اگر بیشتر از جوامع دیگر نباشد، قطعاً کمتر نیست. (۹۳/۱/۳۰)

۲۴. این مسائل، مسائل اساسی ما است؛ مسئله‌ی زن و مسئله‌ی خانواده که البته مسئله‌ی زن از مسئله‌ی خانواده قابل تفکیک نیست. این را هم عرض بکنیم، اگر چنانچه کسی بخواهد مسئله‌ی زن را جدای از مسئله‌ی خانواده بحث بکند، دچار اختلال در فهم و در تشخیص علاج خواهد شد؛ این دو را باید در کنار هم دید، با اینکه دو مسئله است. (۹۳/۱/۳۰)

۲۵. باید ذهنمان را از حرفهای کلیشه‌ای فرآورده‌ی غربی‌ها به کلی خالی کنیم. غربی‌ها نسبت به مسئله‌ی زن بد فهمیدند، بد عمل کردند و همان فهم بد و غلط و عمل گمراه‌کننده و مهلک خودشان را به صورت سگه‌ی رایج در دنیا مطرح کردند. علیه هر کسی هم که بر ضد نظر آنها حرف بزند، دستگاه تبلیغاتی وسیع آنها هوچیگری می‌کند، مجال حرف زدن هم به کسی نمی‌دهد. (۹۳/۱/۳۰)

۲۶. اگر می‌خواهید درباره‌ی مسئله‌ی زن راهبرد درست را پیدا کنید و این راهبرد را با اجرائیات و الزامات اساسی آن همراه کنید و در بلندمدت پیش بروید و به نتیجه برسید، باید ذهنتان را از تفکرات غربی در مورد زن تخلیه کنید. نمی‌گویم بی اطلاع بمانیم، نه؛ ما طرفدار بی‌اطلاعی نیستیم، بنده طرفدار آگاهی و آشنایی هستیم، اما مرجعیت آن افکار را به کلی رد کنیم. افکار غربی‌ها، نظرات غربی‌ها، در زمینه‌ی مسئله‌ی زن مطلقاً نمی‌تواند مایه‌ی سعادت و هدایت جامعه‌ی بشری باشد. اولاً تفکرات آنها، تفکراتی است مبتنی بر معرفت‌شناسی مادی و غیرالهی، که این خودش یک غلطی است. هر دستگاه علمی و فکری که بر پایه‌ی معرفت مادی و اعتقاد مادی باشد، طبعاً غلط است. نگاه به حقایق آفرینش را بایستی با نگاه معرفت‌شناسی الهی، با اعتقاد به وجود خدا، با اعتقاد به قدرت خدا و حضور الهی و ربوبیت الهی شناخت و فهمید و دنبال کرد. پس پایه و ریشه و اساس تفکرات غربی‌ها چون مادی است، غلط است. این یک. دوم اینکه در رویکرد غربی به مسئله‌ی زن - همچنان که در تاریخ انقلاب صنعتی، انسان به روشنی می‌بیند - یک نگاه کاسب‌گرانه و مادی و اقتصادی دخالت داشته است. یعنی در اروپایی که زن حق مالکیت نداشت و مایملک زن متعلق به مرد و شوهرش بود، و حق تصرف در مایملک خود نداشت یا از وقتی که دموکراسی در غرب راه افتاده بود زن حق رأی دادن نداشت، در یک چنین دنیایی ناگهان مسئله‌ی انقلاب صنعتی و کارخانجات و حضور مؤثر شاغل زن در کارخانجات با خرج کمتر برای سرمایه‌دارها مطرح شد. آن وقت آمدند برای زن حق مالکیت قائل شدند، برای اینکه بتوانند او را به کارخانه بکشاند، به او مزد کمتری بدهند، و طبعاً آمدن او به میدان اشتغال الزامات خودش را داشت و دنباله‌های خودش را تا امروز داشت. بنابراین علاوه بر اینکه نگاه به زن یک نگاه غیرالهی و مادی است، اساساً سیاستهایی که بر اساس آنها، وضعیت کنونی در اروپا عمدتاً و در دنیای غرب پیش آمده است، با یک نگاه کاسب‌کارانه و مادی و اقتصادی همراه بوده. (۹۳/۱/۳۰)

۲۷. در نگاه غربی زن وسیله‌ای برای اطفای شهوت است؛ این غیر قابل کتمان است. این را اگر کسی ادعا بکند ممکن است کسانی جنجال کنند که نه آقا این جور نیست؛ لیکن زندگی آنها را که انسان نگاه می‌کند، اساساً این نگاه حاکم است. در محیط اجتماعی هرچه زن پوشش کمتری داشته باشد، مطلوب‌تر است. در مورد مرد این حرف را نمی‌زنند؛ در مهمانی

رسمی، مرد بایستی با لباس کامل، پاپیون زده و کت و شلوار پوشیده و احیاناً لباس رسمی وارد بشود؛ اما خانمها در این مهمانی‌های رسمی بایستی به شکل دیگری ظاهر بشوند؛ این جز برای اینکه چشم هرزه‌ی هوس‌آلود مرد بهره‌مند بشود، هیچ فلسفه‌ی دیگری و حکمت دیگری ندارد؛ امروز در دنیای غرب این جور است؛ و عملاً بزرگ‌ترین ظلمی که امروز در دنیای غرب به زنان می‌شود، از این قبیل است. (۹۳/۱/۳۰)

۲۸. بنده اهل بریده پیدا کردن از روزنامه‌ها نیستم، اما دیروز، پریروز بود، یک چیزی در روزنامه دیدم؛ دیدم خیلی چیز مهمی است؛ اینجا آوردم برای شما بخوانم. کتابی از "جیمی کارتر" رئیس جمهور پیشین آمریکا، [منتشر شده] به اسم «تقاضایی برای اقدام» که به موضوع نقض حقوق بشر و تجاوزات وحشتناک علیه زنان پرداخته. جیمی کارتر در این کتاب می‌گوید: هر ساله صدهزار دختر به‌عنوان برده در آمریکا فروخته می‌شود. جایی که صاحب یک روسپی‌خانه می‌تواند دختری را که معمولاً اهل آمریکای لاتین یا آفریقا است، با قیمتی برابر هزار دلار خریداری کند. وی همچنین به تجاوزات جنسی که در محوطه‌های کالج‌ها رخ می‌دهد اشاره دارد؛ به جایی که از هر بیست و پنج مورد تنها یک مورد گزارش می‌شود. کارتر همچنین عنوان می‌کند که تنها یک درصد از متجاوزان جنسی در ارتش محاکمه می‌شود. انسان گریه‌اش می‌گیرد! از این قبیل در روزنامه‌ها زیاد می‌بینید، بنده هم زیاد می‌بینم؛ من هیچ‌وقت هم به اینها استناد نمی‌کنم، لکن خب اینها واقعیتی است. جیمی کارتر هم بالاخره یک شخصیت معروفی است و این هم کتاب او است. این چه وضعی است در دنیا؟ این چه جور تکریم زن است؟ (۹۳/۱/۳۰)

۲۹. نویسنده‌ی نامدار و معروف غربی، کتاب رُمان می‌نویسد برای شرافتمندانه نشان دادنِ شغل روسپی‌گری! که البته به فارسی هم ترجمه شده است. البته در این کتاب اشاره به این است که چگونه دلآلان جنسی، می‌آیند از کشورهای آمریکای لاتین دخترها را با وعده و وعید و فلان برمی‌دارند می‌برند، و می‌فروشند به این مراکز؛ که البته این مربوط به اروپا است، مربوط به آمریکا نیست. البته سعی می‌شود در این کتاب و این رُمان، که شغل روسپی‌گری یک شغل شرافتمندانه‌ای وانمود بشود. این است فرهنگ غرب نسبت به زن؛ این است احترام اینها نسبت به زن. (۹۳/۱/۳۰)

۳۰. اگر می‌خواهیم نگاه ما نسبت به مسئله‌ی زن، نگاه سالم و منطقی و دقیقی باشد، شرط اول آن این است که ذهنمان را از این حرفهایی که غربی‌ها در مورد زن می‌زنند - در مورد اشتغال، در مورد مدیریت، در مورد برابری جنسی - باید به کلی تخلیه کنیم. یکی از بزرگ‌ترین خطاهای تفکر غربی در مورد مسئله‌ی زن، همین عنوان «برابری جنسی» است. عدالت یک حق است؛ برابری گاهی حق است، گاهی باطل است؛ چرا باید انسانی را که از لحاظ ساخت طبیعی - چه از لحاظ جسمی، چه از لحاظ عاطفی - برای یک منطقه‌ی ویژه‌ای از زندگی بشر ساخته شده، از آن منطقه‌ی ویژه جدا کنیم، به منطقه‌ی ویژه‌ی دیگری که برای یک ساخت دیگر، برای یک ترکیب دیگری خدای متعال آماده کرده بکشانیم؟ چرا؟ این چه منطق عقلایی دارد، چه دلسوزی‌ای در این هست؟ چرا باید کاری که مردانه است به زن داده بشود؟ این چه افتخاری است برای زن، که کاری را انجام بدهد که مردانه است؟ من متأسفم که گاهی خود خانمها، خود بانوان، روی این مسئله حساسیت نشان می‌دهند که ما با مردها چه فرقی داریم؟ خب بله، در خیلی از مسائل هیچ تفاوتی نیست. نگاه اسلام نسبت به زن و مرد، نگاه انسان است؛ در مسئله‌ی انسانیت، سیر مقامات معنوی، استعدادهای فراوان فکری و علمی هیچ تفاوتی نیست، اما قالبها دو قالب است: یک قالب برای یک کار و یک صنف کار است، یک قالب برای یک کار دیگر است؛ البته کارهای

مشترکی هم وجود دارد. [آیا] این خدمت است که ما بیاییم یکی از این دو قالب را از منطقی اختصاصی خودش بکشیم بیرون، ببریم در منطقی اختصاصی آن قالب دیگر؟ این کاری است که غربی‌ها دارند می‌کنند. خیلی از این کنوانسیون‌های بین‌المللی و جهانی‌شان ناظر به همین مسائل است. روی این فکر غلط، زندگی بشریت را تباہ کردند، خودشان را تباہ کردند، دیگران را هم می‌خواهند تباہ کنند. (۹۳/۱/۳۰)

۳۱. به نظر من اگر شماها می‌خواهید برای مسئله‌ی اساسی زن و معضل زن و مشکلاتی که جامعه‌ی زنان در همه‌جا - از جمله در کشور ما - به آن دچارند فکر بکنید، شرط اول آن این است که خودتان را و ذهنتان را باید از تفکرات غربی که یک تفکرات کلیشه‌ای غلط متحجر نونما - ظاهرش نو، باطنش متحجر؛ ظاهرش دلسوزانه، باطنش خائنه - [است]، خلاص کنید، نجات بدهید؛ فکر مستقل از تفکرات غربی بکنید. (۹۳/۱/۳۰)

۳۲. الزام دوم اینکه به متون اسلامی مراجعه کنید. واقعاً از قرآن و از سنت و از حدیث و از دعا و از متون اسلامی و از کلمات ائمه و رفتار ائمه، آن اصول و پایه‌های اصلی را اتخاذ کنید. وحی است دیگر، وحی مال خدا است؛ خدا آفریننده‌ی من و شما است. من نمی‌گویم هرچه به نام دین در دهانها می‌افتد آدم قبول کند؛ نه، از همان دین صحیح، که با شیوه‌ی درست استنباط و به وسیله‌ی اهل و شایستگان این کار انجام می‌گیرد، استفاده شود؛ واقعاً از کتاب خدا، از سنت پیغمبر، از روش ائمه‌ی معصومین و از کلمات اینها استفاده بشود، که ما در زمینه‌ی مسائل زنان باید چه راهبردی را اتخاذ کنیم و خطوط اساسی را از آنجا باید اتخاذ کنیم. (۹۳/۱/۳۰)

۳۳. مسئله‌ی سلامت و امنیت و آرامش و تکریم زن در محیط خانواده، یکی از مسائل اصلی است. (۹۳/۱/۳۰)

۳۴. نگاه کنید ببینید عوامل سلب آرامش و سکینه‌ی روحی زن در خانواده چه چیزهایی است؟ دنبال این باشید که با قانون، با روشهای تبلیغی، با روشها و شیوه‌های گوناگون، اینها را برطرف کنید. این، اساس قضیه است. زن در خانه مایه‌ی آرامش است؛ مایه‌ی آرامش مرد، و مایه‌ی آرامش فرزندان؛ دختر و پسر. اگر خود زن برخوردار از آرامش روانی و روحی نباشد، نمی‌تواند این آرامش را به خانواده بدهد. زنی که مورد تحقیر قرار بگیرد، مورد اهانت قرار بگیرد، مورد فشار کار قرار بگیرد، نمی‌تواند کدبانو باشد؛ نمی‌تواند مدیر خانواده باشد؛ درحالی که زن، مدیر خانواده است. این مسئله‌ی اصلی است. این یکی از آن اصلی‌ترین مسائل است، که خب در محیط زندگی ما - چه محیطهای قدیمی ما، چه محیطهای جدید ما - چندان مورد توجه قرار نگرفته است و باید مورد توجه قرار بگیرد. (۹۳/۱/۳۰)

۳۵. تصوّر از زن در خانه، تصوّر یک موجود درجه‌ی دویی [است] که موظّف به خدمتگزاری به دیگران است؛ این تصوّر بین خیلی‌ها هست - حالا بعضی‌ها به زبان می‌آورند، به رو می‌آورند، بعضی‌ها هم به رو نمی‌آورند، اما در دلشان این است - این درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که اسلام بیان کرده است. (۹۳/۱/۳۰)

۳۶. من مکرّر عرض کرده‌ام این حدیث معروف را که «الْمَرْأَةُ رَيْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»؛ [نهج البلاغه، نامه‌ی ۳۱] قهرمان، در تعبیرات رایج عربی، به آن کارگزار می‌گویند؛ مثل «أَمْرٌ قَهْرْمَانَةٌ بِكَذَا»؛ مثلاً فلان صاحب ملک و املاک فراوان به قهرمان خودش، یعنی آن کسی که کارگزار امور این املاک است، گفت؛ به این می‌گویند «قهرمان». در این حدیث می‌گوید: خیال نکن زن کارگزار تو داخل خانه است که باید کارهای خانه را [انجام دهد]؛ این جور نیست. خب ببینید، این خودش یک فصلی است که از آن چندین فصل گشوده می‌شود: مسئله‌ی احترام کار زن در خانه و عدم الزام او، مجبور نبودن او، قابل

خریداری شدن این کار یعنی قابل مبادله‌ی با پول؛ این است. اینها چیزهایی است که خب در اسلام هست، در فقه اسلام هست؛ همان‌طور که اشاره کردند ایشان، واقعاً فقه ما فقه مترقی و برجسته‌ای است. یک چیزهایی از آن را بعضی می‌گیرند، یک چیزهایی از آن را فراموش می‌کنند، یک چیزهایی را هم به‌خاطر هماهنگی با این افکار هوچیگرانه‌ی غربی از این‌رو به آن‌رو می‌کنند؛ این را هم دیده‌ایم ما. (۹۳/۱/۳۰)

۳۷. بعضی‌ها برای اینکه غربی‌ها بدشان نیاید، بعضی از حقایق احکام اسلامی را، واضحات احکام اسلامی را عوض می‌کنند. قرآن می‌فرماید: وَإِنْ تَطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ؛ [سوره‌ی انعام، آیه ی ۱۱۶] دنباله‌رو فکر رایج در دنیای جهل و خرافه نباید بود؛ فکر اسلامی را باید پیدا کرد، دنبال آن باید رفت، ولو حالا یک عده‌ای بد بگویند. (۹۳/۱/۳۰)

۳۸. یکی از مسائل اصلی، مسئله‌ی خانه و خانواده است: امنیت زن در محیط خانواده؛ فرصت زن در محیط خانواده و خانه‌داری برای بروز استعدادها؛ [چیزی] مانع درس خواندن او، مانع مطالعه کردن او، مانع فهمیدن او، مانع نوشتن او نشود - [برای] کسی که اهل این چیزها است - میدان برای این کارها فراهم باشد؛ این اساس قضیه است. (۹۳/۱/۳۰)

۳۹. مسئله‌ی اشتغال بانوان، جزو مسائل اصلی نیست. البته ما با اشتغال بانوان مخالف نیستیم؛ بنده خودم نه با اشتغالشان، نه با مدیریتشان مخالفتی ندارم، مادامی که با آن مسائل اصلی معارضه و تنافی پیدا نکند؛ اگر معارضه پیدا کرد، آن مقدم است. یکی از کارهایی که در این زمینه‌ی سوّم که عرض کردیم باید انجام بگیرد، طبعاً این است که نگاه کنند ببینند آن مشاغلی که متناسب با این خصوصیت زن است چیست. بعضی از مشاغل هست متناسب با ساخت زن نیست، خب اینها را دنبال نکنند. یکی از کارها این است که آن تحصیلاتی را که به آن مشاغل منتهی می‌شود، بر زن تحمیل نکنند. این بحث دانشگاه و تحصیلات و مانند اینها که باز بعضی‌ها جنجال می‌کنند که در تحصیلات تبعیض است، این تبعیض همه‌جا بد نیست. تبعیض آنجایی که ضدّ عدالت باشد بد است. ولاً فرض کنید وقتی که شما در یک تیم فوتبال، یکی را می‌گذارید مهاجم، یکی را می‌گذارید مدافع، یکی را می‌گذارید دروازه‌بان، خب این تبعیض است دیگر. اگر آن کسی که باید در خط دفاع وایستد، گذاشتند مهاجم، خب تیم خواهد باخت. آن کسی که باید مهاجم باشد اگر گذاشتند دروازه‌بان که بلد نیست این کار را، خب تیم می‌بازد. این تبعیض است، [اما] این تبعیض، عین عدالت است؛ یکی را اینجا می‌گذارند، یکی را آنجا می‌گذارند، یکی را آنجا می‌گمارند. [پس باید] ببینیم با توجه به آن اهداف بلند چه درسی برای بانوان مناسب است، آن درس را در اختیارشان قرار بدهیم؛ نه اینکه مجبورش کنیم که شما چون در کنکور این‌جوری شرکت کردی، و این‌جوری نمره آوردی، حتماً باید بروی فلان درس را بخوانی، که این درس نه با طبیعت زنانه‌ی او سازگار است، نه با اهداف عالی او سازگار است، نه شغلی که به دنبال این درس به او داده می‌شود، متناسب با او است. این چیزها را به نظر من در زمینه‌ی اشتغال زنان باید در نظر گرفت. (۹۳/۱/۳۰)

۴۰. خلاصه این را که زن نتواند همه‌ی مشاغلی را که مرد به عهده می‌گیرد به عهده بگیرد، نباید ننگ دانست یا نقص دانست؛ نخیر، آن چیزی بد است که متناسب با طبیعت الهی [نباشد]. (۹۳/۱/۳۰)

۴۱. مسئله‌ی زنان، مسئله‌ی مهمی است؛ بهترین کسانی هم که این مسئله را می‌توانند دنبال کنند و حل کنند خود خانمها هستند. و خانم تحصیل‌کرده و خوش‌فکر و بااستعداد و خوش‌قلم و خوش‌قریحه کم نداریم؛ امروز در کشور ما بحمدالله

خیلی زیاد است. عرض کردم؛ هیچ وقت در تاریخ کشور ما این همه زن تحصیل کرده و فرزانه و برجسته ما نداشتیم؛ نه در محیطهای حوزوی، نه در محیطهای دانشگاهی. این همه نویسنده‌ی زن، این همه شاعر زن، این همه محقق زن، پژوهشگر زن، در رشته‌های مختلف نداشتیم؛ خوشبختانه امروز به برکت نظام اسلامی [داریم]. اینها به برکت اسلام است، به برکت جمهوری اسلامی است، به برکت همان نگاه روشن امام به مسئله‌ی زن است، که اشاره کردند. [خانم مولوردی] هیچ وقت ما چنین وضعیتی را در کشورمان نداشتیم. باید خدا را شکر کنیم و از توفیقات او سپاسگزاری کنیم و از او افزایش این توفیق را بخواهیم و شکر این توفیق را بکنیم؛ شکرش هم همین است که عرض کردم: نگاه به رهنمود الهی و سلب نگاه از رهنمودهای مادی که امروز متصدی و مباشر آن هم غربی‌ها و آمریکایی‌ها دارند که خیلی هم پرویند، خیلی هم طلبگارانند، خیلی هم هوچی هستند، و اگر کسی بر خلافشان حرف بزند، هجوم تبلیغاتی هم می‌کنند، [اما] نباید اعتنا کرد؛ باید انشاءالله پیش بروید. (۹۳/۱/۳۰)

۴۲. متأسفانه در دنیای غرب، بیشتر متفاهم از این آزادی، آزادی به معنای نادرست و مضرّ آن است - یعنی آزادی از قید و بندهای خانوادگی، آزادی از نفوذ مطلق مرد، آزادی از حثّی قید ازدواج و تشکیل خانواده و پرورش فرزندان در آن جایی که هدف شهوانی زودگذری در مقابل قرار گیرد - نه آزادی به معنای صحیح آن. لذا شما می‌بینید جزو حرفهایی که در دنیای غرب زده می‌شود، مسأله آزادی سقط جنین است، که این نکته بسیار مهمّی است و با این که ظاهر ساده و کوچکی دارد، اما باطن بسیار خطرناک و سهمگینی در این سخن مضمّر و مندرج است. این، وسیله و شعار و مطالبه‌ای است که در غرب غالباً مطرح می‌شود؛ لذا می‌گویند نهضت آزادی زنان. در نظام صحیح، در یک مطالبه و مبارزه صحیح، هدف نمی‌تواند این معنای وسیعی باشد که یک بخش آن قطعاً مضرّ است؛ اگر چه ممکن است بخشهای مفیدی هم در آن باشد. باید به دنبال شعارهایی بهتر، مناسبتر، صحیحتر و گره گشا تر گشت. (۷۶/۷/۳۰)

۴۳. اسلام طرفدار تکامل بشر است. برای اسلام، زن و مرد هیچ فرقی ندارد. برای اسلام، جنس زن یا جنس مرد مطرح نیست؛ تکامل انسانی مطرح است. یک جا سخن از مرد گفته می‌شود، یک جا سخن از زن. به یک مناسبت از زن تجلیل می‌شود، به یک مناسبت از مرد؛ چون دو حصّه پیکره بشرند، دو بخش وجود بشری هستند. از لحاظ جنبه‌ی بشری و جنبه الهی، هیچ تفاوتی با همدیگر ندارند. لذا در قرآن آن وقتی که می‌خواهد راجع به انسانهای خوب یا انسانهای بد مثل بزند، از زن مثل می‌آورد: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةً نوح و امْرَأةً لوط» [تحریم: ۱۰] در مورد کسانی هم که مؤمن هستند، مثال می‌زند: «امْرَأةً فرعون» [تحریم: ۱۱] در هر دو جا، مثال و نمونه کامل راه خطا و راه صواب را از زن ذکر می‌کند؛ یک جا هم راجع به مردان سخن می‌گوید. (۷۶/۷/۳۰)

۴۴. برای اسلام، جنس - زن بودن و مرد بودن - مطرح نیست؛ تعالی بشری مطرح است، اخلاق بشری مطرح است، بروز استعدادها مطرح است، انجام وظایفی که به هر کسی یا هر جنسی از جنسهای بشری متوجّه است، مطرح است، که برای این باید طبعاً طبیعتها را شناخت. اسلام، طبیعت زن و طبیعت مرد را هم به خوبی می‌شناسد. در اسلام آنچه که مطرح است، عبارت است از تعادل؛ یعنی رعایت عدالت محض میان افراد بشر، از جمله میان جنس زن و جنس مرد. برابری در حقوق مطرح است، اما در جایی ممکن است احکام زن با احکام مرد متفاوت باشد؛ همچنان که طبیعت زن با طبیعت مرد

در بعضی از خصوصیات متفاوت است. بنابراین، بیشترین حقایق و بیشترین واقعیت‌های فطرت و طینت بشری در مورد زن و مرد، در معارف اسلامی است. (۷۶/۷/۳۰)

۴۵. اگر ما امروز بخواهیم برای زنان کشورمان، یک حرکت حقیقی و اساسی بکنیم، تا زنان بتوانند به وضع مطلوب خودشان برسند، باید به احکام اسلامی نظر داشته باشیم و از آن الهام بگیریم. برای ما، روش را احکام اسلام معین می‌کند. هر روش خردمندانه عقلایی را هم اسلام می‌پسندد و قبول دارد. اگر تجربه‌ای در جایی باشد، مورد قبول است؛ اما تقلید نه. استفاده خردمندانه از تجربیات دیگران درست؛ اما تقلید، غلط. لذا امروز کسانی که برای حقوق زن و برای رشد و شکوفایی استعداد‌های زنان در کشور ما تلاش می‌کنند - که البته هم باید این تلاش انجام بگیرد - باید بدانند چه هدفی را دنبال می‌کنند و چه شعارهایی را باید مطرح نمایند. (۷۶/۷/۳۰)

۴۶. غربیها در زمینه شناخت طبیعت زن و چگونگی برخورد با جنس زن، دچار افراط و تفریط بوده‌اند. اساساً نگرش غربی نسبت به زن، یک نگرش مبنی بر عدم برابری و عدم تعادل است. شما به شعارهایی که در غرب داده می‌شود، نگاه نکنید؛ این شعارها پوچ است و حاکی از واقعیت نیست. فرهنگ غربی را از این شعارها نمی‌شود فهمید. فرهنگ غربی را باید در ادبیات غربی جستجو کرد. کسانی که با ادبیات اروپایی، با شعر اروپایی، با رمان و داستان و نمایشنامه‌های اروپایی آشنا هستند، می‌دانند که در چشم فرهنگ اروپایی، از دوران قرون وسطی و بعد از آن تا اواسط قرن فعلی، زن موجود درجه دوم بوده است! هر چه بر خلاف این ادعا کنند، خلاف می‌گویند. شما به نمایشنامه‌های معروف شکسپیر انگلیسی نگاه کنید، ببینید با چه نفسی و با چه زبانی و با چه دیدی در این نمایشنامه‌ها و سایر ادبیات غربی به زن نگاه می‌شود! مرد در ادبیات غربی، سرور و ارباب زن و اختیاردار اوست، که بعضی از نمونه‌های این فرهنگ و آثار آن، امروز هم باقی است. امروز هم وقتی زنی با مردی ازدواج می‌کند و به خانه شوهر می‌رود، حتی نام خانوادگی او عوض می‌شود و نام خانوادگی مرد را بر خود می‌گذارد. زن تا وقتی نام خانوادگی خود را دارد که شوهر نکرده است؛ وقتی شوهر کرد، نام خانوادگی زن به نام خانوادگی مرد تبدیل می‌شود. این رسم غربیهاست؛ در کشورما این طور نبوده، هنوز هم نیست. زن هویت خانوادگی خودش را با خودش حفظ می‌کند؛ ولو بعد از ازدواج. آن، نشانه همان فرهنگ قدیمی غربی است که مرد سرور زن است. (۷۶/۷/۳۰)

۴۷. در فرهنگ اروپایی، وقتی زن با همه موجودی و املاک خود ازدواج می‌کند و به خانه شوهر می‌رفت، نه فقط جسم او در اختیار شوهر قرار می‌گرفت، بلکه تمام اموال و املاک و داراییهای او هم که از پدر و خانواده‌اش به او رسیده بود، متعلق به شوهر می‌شد! این حقیقتی است که غربیها نمی‌توانند آن را انکار کنند. این در فرهنگ غربی بود. در فرهنگ غربی، زن وقتی به خانه شوهر می‌رفت، شوهر در واقع اختیار جان او را هم داشت! لذا شما در داستانهای غربی و در اشعار اروپایی بسیار می‌بینید که شوهر به خاطر یک اختلاف اخلاقی، همسر خود را می‌کشد و کسی هم او را ملامت نمی‌کند! دختر در خانه پدر هم حق هیچ‌گونه گزینشی را نداشت. (۷۶/۷/۳۰)

۴۸. بانوان گرامی؛ بخصوص زنان جوان که می‌خواهند در این زمینه‌ها فکر بیندیشند، درست توجه کنند. نکته مهم این است که حتی وقتی در اروپا برای زن حق مالکیت معین شد - طبق بررسی موشکافانه جامعه‌شناسان خود اروپا - به خاطر این بود که کارخانه‌ها که تازه بساط فناوری مدرن و صنعت در غرب را گسترده بودند، احتیاج به کارگر داشتند؛ اما کارگر کم

بود و احتیاج به کارگر زیاد احساس می شد. لذا برای این که زنان را به کارخانجات بکشاند و از نیروی کارشان استفاده کنند - که البته مزد کمتری هم همیشه به زنان می دادند - اعلان شد که زن دارای حق مالکیت است! در اوایل قرن بیستم بود که اروپاییان حق مالکیت را به زن دادند. این، آن نگرش افراطی و غلط و ظالمانه نسبت به زن در غرب و در اروپاست. (۷۶/۷/۳۰)

۴۹. شما می بینید در طول چند ده سال، آن چنان فساد و ببند و باری در غرب به وسیله آزادی زنان به راه افتاد و رواج پیدا کرد که خود متفکران غربی را دچار وحشت کرد! امروز دلسوزان و مُصلحان، انسانهای خردمند و باانگیزه در کشورهای غربی، از آنچه پیش آمده است، متوحش و ناراحتند و البته نمی توانند هم جلو آن را بگیرند. به عنوان این که می خواهند به زن خدمت کنند، بزرگترین ضربه را به زندگی او وارد آوردند. چرا؟ به خاطر این که با بی بندوباری، با اشاعه فساد و فحشا و با آزادی بی قید و شرط معاشرت زن و مرد، بنیان خانواده متلاشی شد. مردی که می تواند آزادانه در جامعه اطفای شهوت کند و زنی که می تواند بدون هیچ ایراد و اشکالی در جامعه با مردان گوناگون تماس داشته باشد، هرگز در خانواده، همسران خوب و شایسته‌ای نخواهند بود. لذا بساط خانواده متلاشی شد. (۷۶/۷/۳۰)

۵۰. امروز یکی از بزرگترین بلاهایی که گریبان کشورهای غربی را به شدت گرفته و آنها را به وضعیت نامطلوب شدیدی دچار کرده، مسأله خانواده است. لذا هر مردی که شعار خانواده بدهد، از نظر غربیها و بخصوص از نظر زنان در غرب، یک فرد مطلوب و یک مرد محبوب است. چرا؟ چون از تزلزل بنیاد خانواده رنج می برند؛ به خاطر این که متأسفانه غرب، خانواده؛ یعنی کانونی را که برای مرد و زن و به خصوص برای زن محیط امن و آرامش است، از دست داده است. بسیاری از خانواده‌ها متلاشی شده‌اند. بسیاری از زنان تا آخر عمر تنها زندگی می کنند. بسیاری از مردان، زن مورد علاقه و مورد نظر خود را نمی یابند و بسیاری از ازدواجها در اولین سالهای پیدایش از بین می رود. (۷۶/۷/۳۰)

۵۱. خانواده‌ها آن ریشه‌ها و پایه‌های عمیق را که در کشورهای ما وجود دارد، امروز کمتر در غرب دارند. آن خانواده‌ای که پدربزرگ، مادر بزرگ، نوه‌ها، خویشاوندان، پسرعموها، دخترعموها و سایر شعبش با هم باشند، هم را بشناسند و با هم ارتباط داشته باشند، امروز در غرب بسیار بسیار کمیاب است. زن و شوهر هم با یکدیگر صمیمیت لازم را ندارند. این بلایی است که با کارهای غلط، با حرکت افراطی از آن طرف که در مقابل افراطهای قبلی انجام گرفت، بر جامعه بشری نازل شد و بیشتر از همه بر سر زن غربی آمد. (۷۶/۷/۳۰)

۵۲. در حقیقت، نهضت دفاع از زنان در غرب، یک حرکت دستپاچه، یک حرکت بی منطق، یک حرکت مبتنی بر جهالت، بدون تکیه به سنتهای الهی و بدون تکیه به فطرت و طینت زن و مرد بود که در نهایت به ضرر همه تمام شد؛ هم به ضرر زنان، هم به ضرر مردان، و بیشتر به ضرر زنان. این قابل تقلید نیست. این فرهنگی نیست که در کشور اسلامی کسی به آن نگاه کند و بخواهد از آن چیزی یاد بگیرد؛ این را باید طرد کرد. (۷۶/۷/۳۰)

۵۳. حرکت در جهت احقاق حقوق زنان در جوامع اسلامی و در جامعه ما حتماً باید انجام گیرد؛ منتها بر مبنای اسلامی و با هدف اسلامی. یک عده نگویند که این چه نهضتی است، این چه حرکتی است؛ مگر زن در جامعه ما چه کم دارد؟ متأسفانه ممکن است بعضی این گونه فکر کنند. این، ظاهربینی است. زن در همه جوامع - از جمله در جامعه ما - گرفتار ستم و دچار کمبودهایی است که بر او تحمیل می شود؛ اما این کمبود، کمبود آزادی به معنای بیندوباری نیست؛ این کمبود،

- کمیاب میدانها و فرصتها برای علم و معرفت و تربیت و اخلاق و پیشرفت و شکوفایی استعدادهاست. این را باید تأمین و جستجو کرد. این همان چیزی است که اسلام بر روی آن تکیه کرده است. (۷۶/۷/۳۰)
۵۴. الان ده، بیست سال است که مجدداً نهضت‌های دیگری به عنوان نهضت دفاع از حقوق زن و دفاع از آزادی زن به راه انداخته‌اند. چرا؟ اگر آزادی غربی برنامه موقتی بود، اگر دفاع از حقوق زن حقیقی بود، احتیاج به این نبود که بعد از صد سال دوباره عده‌ای بیایند نهضت به راه بیندازند و جنجال کنند. پس، آن نسخه غلط بود؛ نسخه فعلیشان هم غلط است و جز به بدبختی و مشکل تراشی برای زن و مرد - بخصوص برای زن - به چیزی نخواهد انجامید. (۷۶/۷/۳۰)
۵۵. هدف اسلام در دفاع از حقوق زنان - همان‌طور که گفته شد - این است که زن تحت ستم نباشد و مرد خود را حاکم بر زن نداند. در خانواده، حدود و حقوقی هست. مرد حقوقی دارد، زن هم حقوقی دارد و این حقوق به‌شدت عادلانه و متوازن ترتیب داده شده است. (۷۶/۷/۳۰)
۵۶. آن هدف، عبارت است از سکون و آرامش، تا شما در کنار جنس مخالف خودتان در درون خانواده - مرد در کنار زن، زن در کنار مرد - آرامش پیدا کنید. برای مرد هم آمدن به داخل خانه، یافتن محیط امن خانه، زن مهربان و دوستدار و امین در کنار او، وسیله آرامش است؛ برای زن هم داشتن مرد و تکیه‌گاهی که به او عشق بورزد و برای او مانند حصن مستحکمی باشد - چون مرد جسماً قویتر از زن است - یک خوشبختی است؛ مایه آرامش و سعادت است. خانواده این را برای هر دو تأمین می‌کند. مرد برای پیدا کردن آرامش، به زن در محیط خانواده احتیاج دارد؛ زن هم برای یافتن آرامش، به مرد در محیط خانواده نیازمند است - «لتسکنوا الیها» - هر دو برای سکون و آرامش، به هم احتیاج دارند. (۷۶/۷/۳۰)
۵۷. مهمترین چیزی که بشر به آن احتیاج دارد، آرامش است. سعادت انسان در این است که از تلاطم و اضطراب روحی در امان و آرامش روحی داشته باشد. این را خانواده به انسان می‌دهد؛ هم به زن و هم به مرد. جمله بعدی بسیار جالب و زیباست. می‌فرماید: «و جعل بینکم مودّة و رحمة». [روم: ۲۱] رابطه درست زن و مرد این است: مودّت و رحمت، رابطه دوستی، رابطه مهربانی؛ هم یکدیگر را دوست بدارند و به هم عشق بورزند و هم با یکدیگر مهربان باشند. عشق ورزیدن همراه با خشونت مورد قبول نیست؛ مهربانی بدون محبت هم مورد قبول نیست. (۷۶/۷/۳۰)
۵۸. طبیعت الهی زن و مرد در محیط خانواده، طبیعتی است که برای زن و برای مرد رابطه‌ای فی‌مابین به وجود می‌آورد که آن رابطه، رابطه عشق و مهربانی است: «مودّة و رحمة». اگر این رابطه تغییر پیدا کرد، اگر مرد در خانه احساس مالکیت کرد، اگر به چشم استخدام و استثمار به زن نگاه کرد، این ظلم است، که متأسفانه خیلی از مردان این ظلم را می‌کنند. در محیط بیرون خانواده نیز همین‌طور است. اگر زن محیط امن و توأم با امنیتی برای درس خواندن، برای کار کردن، برای احیاناً کسب درآمد و برای استراحت نداشته باشد، این ظلم و ستمکاری است. هر کس که موجب این ظلم شود، باید قانون و جامعه اسلامی با او مقابله کند. (۷۶/۷/۳۰)
۵۹. چنانچه نگذارند زن به تحصیلات صحیح و به علم و معرفت دست پیدا کند، این ظلم است. اگر شرایط طوری باشد که زن فرصت پیدا نکند به خاطر زیادی کار و فشار کارهای گوناگون، به اخلاق خود، به دین خود و به معرفت خود برسد، این ظلم است. اگر زن امکان پیدا نکند که از مایملک خود به طور مستقل و با اراده خود استفاده کند، این ظلم است. اگر به زن در هنگام ازدواج، شوهری تحمیل شود - یعنی خود او در انتخاب شوهر نقشی نداشته باشد و اراده و میل او مورد اعتنا قرار

نگیرد - این ظلم است. اگر زن، چه آن وقتی که داخل خانه با خانواده زندگی می کند و چه در صورتی که از شوهر جدا می شود، نتواند از فرزند خود بهره عاطفی لازم را ببرد، این ظلم است. اگر زن استعدادی دارد - مثلاً استعداد علمی دارد، استعداد برای اختراعات و اکتشافات دارد، استعداد سیاسی دارد، استعداد کارهای اجتماعی دارد- اما نمی گذراند از این استعداد استفاده کند و این استعداد شکوفا شود، ظلم است.(۷۶/۷/۳۰)

۶۰. بعضی خیال می کنند زن کمبودش این است که مشاغل بزرگ و سروصدا دار ندارد! خیر؛ مشکل زن این نیست. حتی آن زنی هم که شغل بزرگی دارد، به محیط امنی در خانواده، به یک شوهر مهربان بامحبت، به یک تکیه‌گاه مطمئن عاطفی و روحی - که شوهر و مرد اوست - نیازمند است. طبیعت و نیاز عاطفی و روحی زن این است؛ باید این نیاز برآورده شود.(۷۶/۷/۳۰)

۶۱. مسأله اصلی زن، آن مسأله اساسی است که امروز در غرب متأسفانه از بین رفته است، و آن همان احساس آرامش و احساس امنیت و احساس امکان بروز استعداد و مورد ستم قرار نگرفتن در جامعه و در خانواده و در خانه پدر و امثال اینهاست. کسانی که در خصوص مسأله زن تلاش می کنند، باید در این زمینه‌ها تلاش کنند.(۷۶/۷/۳۰)

۶۲. اولاً فکر رشد زنان از لحاظ معنوی و اخلاقی، بایستی یک فکر رایج در میان خود زنان باشد. خود بانوان باید بیشتر به این مسأله بیندیشند. خود آنها به معارف، به معلومات، به مطالعه و به مسائل اساسی زندگی رو کنند. همان تربیت غلط غربی موجب شد که در دوران حکومت طاغوت در این کشور، زنان به آرایش، تجملات، زینتهای بی خودی، تبرج و خودنمایی تمایل پیدا کنند، که این هم از نشانه‌های مردسالاری است. یکی از نشانه‌های مردسالاری غربیها همین است که زن را برای مرد می خواهند؛ لذا می گویند زن آرایش کند، تا مرد التذاذ ببرد! این مردسالاری است، این آزادی زن نیست؛ این در حقیقت آزادی مرد است. می خواهند مرد آزاد باشد، حتی برای التذاذ بصری؛ لذا زن را به کشف حجاب و آرایش و تبرج در مقابل مرد تشویق می کنند! البته این خودخواهی را بسیاری از مردان در جوامعی که از دین خدا بهره‌مند نبودند، از دورانهای قدیم هم داشتند، امروز هم دارند؛ غربیها هم مظهر اعلاّی این بودند. پس، این مسأله که زن به سمت معرفت، علم، مطالعه، آگاهی، کسب معلومات و معارف حرکت کند، باید در میان خود بانوان خیلی جدّی گرفته شود و به آن اهمیت بدهند.(۷۶/۷/۳۰)

۶۳. بعضی از قوانین در برخورد با زن و با مرد احتیاج به اصلاح دارد. باید کسانی که اهل این کارها هستند، مطالعه کنند، بررسی کنند و آن قوانین را درست کنند.(۷۶/۷/۳۰)

۶۴. نظر اسلام در مورد حقوق زن و حقوق مرد باید تبیین شود. خود بانوان هم در این زمینه باید کار کنند؛ اما بیشتر باید کسانی که در معارف اسلامی آگاهی دارند، تلاش کنند و بتوانند نظر اسلام را در آن جاهایی که حقوق زن و مرد متفاوت است، درست تبیین نمایند، تا هر کسی تصدیق کند که این دقیقاً براساس طبیعت و فطرت انسانی زن و مرد و بر طبق مصالح جامعه است. البته کارهای خوبی هم شده است؛ امروز هم باید با زبان امروز این کار بشود، ولاً در گذشته هم در این زمینه کارهای خوبی انجام گرفته است و اگر کسی مطالعه و توجه کند، به همین اذعان و تصدیق هم خواهد رسید.(۷۶/۷/۳۰)

۶۵. از بحثهای انحرافی در این زمینه‌ها باید اجتناب شود. بعضی کسان به عنوان این که از زن دفاع می کنند، به بحثهای انحرافی کشانده می شوند و بعضی از مسائل از قبیل دیه و امثال اینها را مطرح می کنند؛ در حالی که اینها بحثهای انحرافی است. نظر اسلام در مورد زن و مرد واضح و روشن است. همان‌طور که بیان شد، نظر اسلام در مورد خانواده کاملاً روشن است. این که کسی بیاید این‌طور مسائل را مطرح کند، جز دور کردن راه و منحرف کردن ذهنها هیچ فایده‌ای ندارد و کار صحیح و منطقی نیست. بحثهای انحرافی نباید مطرح شود. این به نفع حرکت صحیح در این‌باره نیست. (۷۶/۷/۳۰)
۶۶. یک نکته دیگر که باید مورد توجه باشد، دفاع اخلاقی و قانونی از زن، به خصوص در داخل خانواده است. دفاع قانونی با اصلاح قوانین - همان‌طور که گفته شد - و ایجاد قوانین لازم و دفاع اخلاقی با طرح این مسأله و مواجهه با کسانی که این را درست نمی فهمند و زن را در خانه، مستخدم مورد ستم مرد، بدون تمکن از خودسازی معنوی تلقی و این‌گونه هم عمل می کنند. باید با این فکر با قوت و شدت مقابله شود؛ البته به شکل کاملاً منطقی و عقلانی. (۷۶/۷/۳۰)
۶۷. مسأله بعد، مسأله اهمیت دادن به عفاف در زن است. هر حرکتی که برای دفاع از زنان انجام می گیرد، باید رکن اصلی آن رعایت عفاف زن باشد. همان‌طور که عرض کردم، در غرب به خاطر این‌که به این نکته توجه نشد - یعنی مسأله عفت زنان مورد اهتمام قرار نگرفت و به آن اعتنایی نکردند - کار به این بی بندو باریها کشید. نباید بگذارند عفت زن - که مهمترین عنصر برای شخصیت زن است - مورد بی اعتنایی قرار گیرد. عفت در زن، وسیله‌ای برای تعالی و تکریم شخصیت زن در چشم دیگران، حتی در چشم خود مردان شهوتران و بی بندوبار است. عفت زن، مایه احترام و شخصیت اوست. این مسأله حجاب و محرم و نامحرم و نگاه کردن و نگاه نکردن، همه به خاطر این است که قضیه عفاف در این بین سالم نگهداشته شود. اسلام به مسأله عفاف زن اهمیت می دهد. البته عفاف مرد هم مهم است. عفاف مخصوص زنان نیست؛ مردان هم باید عقیف باشند. منتها چون در جامعه، مرد به خاطر قدرت جسمانی و برتری جسمانی، می تواند به زن ظلم کند و برخلاف تمایل زن رفتار نماید، روی عفت زن بیشتر تکیه و احتیاط شده است. (۷۶/۷/۳۰)
۶۸. خوشبختانه امروز در جامعه ما، تعلیم و تربیت زنان رایج است؛ اما در عین حال هنوز خانواده‌هایی هستند که دختران خودشان را از تحصیل منع می کنند. اگر یک روز محیطهای تحصیلی، محیطهای ناسالمی بود، امروز بحمدالله در دوران اسلامی آن گونه نیست. باید اجازه بدهند که دختران درس بخوانند، مطالعه کنند، کتاب بخوانند، با معارف دینی و با معارف انسانی آشنا شوند و ذهن و مغزشان قوت و قدرت پیدا کند. این، کار بسیار لازمی است که باید انجام گیرد. (۷۶/۷/۳۰)
۶۹. جامعه، هم از لحاظ قانونی و هم از لحاظ اخلاقی، باید با کسانی که تعدی به زن را حق خودشان می دانند، برخورد سخت بکند؛ قانون هم باید در این زمینه مجازاتهای سختی را پیش‌بینی کند. ... در کشورهای غربی علی رغم این همه شعاری که می دهند، هنوز نتوانسته‌اند این را تأمین کنند. یعنی در داخل خانواده‌ها، زنانی که از دست شوهرانشان کتک می خورند و دخترانی که از دست پدرانشان صدمه می بینند و مجروح می شوند، فراوانند. آمارهای تکان‌دهنده و وحشت‌آوری هم در این زمینه وجود دارد. منتها در آن‌جا یک چیز دیگر هم هست و آن قتل نفس است. راحت خون می ریزند، راحت می کشند. کشتن، آن قبحی را که در محیط اسلامی دارد، در آن محیطهایی که از معارف الهی بویی نبرده‌اند - متأسفانه - ندارد. کشتن زنان، یکی از بلیه‌های بسیار زشت و نفرت‌انگیزی است که در کشورهای غربی - به‌ویژه امریکا - رایج است. این کارها خوشبختانه در کشور ما به آن شدت نیست و جز موارد استثنایی، دیده نمی شود؛ اما به هر حال هر گونه ستم و هرگونه

- تعدّی جسمانیای نسبت به زن، باید با برخورد بسیار سختی مواجه شود، تا در این زمینه جامعه اسلامی ما به آن سطحی که اسلام خواسته است، برسد. (۷۶/۷/۳۰)
۷۰. اگر کشور بتواند جامعه زنان را با تکیه بر تعلیمات اسلامی، با همان معارفی که اسلام خواسته است، آشنا کند، من تردیدی ندارم که پیشرفت و ترقّی و تعالی کشور مضاعف و چند برابر خواهد شد. (۷۶/۷/۳۰)
۷۱. در هر میدانی که بانوان مسؤولانه وارد شوند، پیشرفت در آن میدان چند برابر خواهد شد. خصوصیت حضور خانمها در میدانهای مختلف این است که وقتی زن خانواده وارد میدان می شود، یعنی همسر و فرزندان او هم واردند. حضور مرد به این معنا نیست، اما حضور زن به این معناست. در هر میدانی که زن وارد شود - زنی که خانم و کدبانوی یک خانه است - در حقیقت همه آن خانه را در آن میدان وارد می کند. حضور زنان در بخشهای مختلف بسیار مهم است. (۷۶/۷/۳۰)
۷۲. زن به یک جایگاه مصنوعی و تصنعی و تشریفاتی احتیاج ندارد؛ جایگاهی که دون شأن متانت و سکینه و آرامش روحی اوست. در طبیعت الهی زن، آن چنان لطافت و زیبایی و گرمای محبتی وجود دارد که می تواند هم خود را و هم محیط پیرامون خود را - چه در داخل خانه، چه در هر محیطی که باشد - به طرف معنویت، پیشرفت و علو مقامات علمی و عملی سوق دهد و پیش ببرد. (۸۴/۳/۲۵)
۷۳. زن، در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی نقش در تاریخ سازی؛ و در تعریف غالباً غربی، به مثابه موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه داری جدید است، معرفی می شد. شیر زنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، «زن نه شرقی، نه غربی» است. زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان، گشود و ثابت کرد که می توان زن بود، عفیف بود، محجبه و شریف بود، و در عین حال، در متن و مرکز بود. می توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز، سنگر سازی های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد. (۹۱/۱۲/۱۶)
۷۴. نگاه اسلام به جنسیت، یک نگاه درجه ای دو است؛ نگاه اول و درجه ای یک، حیث انسانیت است؛ که در آن، جنسیت اصلاً نقشی ندارد... در زمینه ای مسائل اصلی انسان - که مربوط به انسان است - زن و مرد هیچ فرقی ندارند. خب، شما ببینید در تقرب الی الله، یک زنی مثل حضرت زهرا، مثل حضرت زینب، مثل حضرت مریم هستند؛ رتبه شان، رتبه های فوق تصور امثال ماهاست... جنسیت یک امر ثانوی است، یک امر عارضی است؛ در کارکردهای زندگی معنا پیدا می کند، در سیر اصلی بشر هیچ تأثیری ندارد. (۹۰/۱۰/۱۴)
۷۵. زن با نقاط قوّت زنانه ی خود - که خدای متعال در وجود او به ودیعه گذاشته و مخصوص زن است - همراه با ایمان عمیق، همراه با استقرار ناشی از اتکاء به خداوند، و همراه با عفت و پاکدامنی - که فضای پیرامون او را نورانیت می بخشد - می تواند در جامعه یک نقش استثنائی این گونه ایفا کند؛ هیچ مردی قادر به ایفای چنین نقشی نیست. مثل کوه استواری از ایمان، در عین حال مثل چشمه ی جوشانی از عاطفه و محبت و احساسات زنانه، تشنگان و محتاجان نوازش را از چشمه ی صبر و حوصله و عاطفه ی خود سیراب می کند. انسانها در چنین آغوش پُربرکتی می توانند تربیت شوند. اگر زن با این خصوصیات در عالم وجود نبود، انسانیت معنا پیدا نمی کرد. این، معنای ارزش زن و تشخیص زن است؛ چیزی که مغز متحجر مادی غربی ها نمی تواند آن را بفهمد. (۸۴/۳/۲۵)
۷۶. یک نامعادله ای را بتدریج به وجود آورده اند؛ یک طرف ذی نفع، یک طرف مورد انتفاع؛ بشریت را این جور تقسیم کرده اند. طرف ذی نفع مرد است، طرف مورد انتفاع عبارت است از زن. این به طور آرام، با تدریج، با شیوه های گوناگون، با تبلیغات مختلف، در طول ده ها سال در جوامع غربی در درجه ای اول، و بعد در جوامع دیگر جا افتاده. شأن اجتماعی زن را اینجوری

معرفی کردند... لذا در فرهنگ غربی اگر زن به خواهد در جامعه نمود پیدا کند، شخصیت پیدا کند، حتماً باید از جذابیت‌های جنسی خودش چیزی را ارائه بدهد.(۹۰/۳/۱)

۷۷. شاید تعبیر «بحران زن»، تعبیر تعجب‌آوری باشد. امروز مسئله‌ی بحران آب و هوا، بحران آب، بحران انرژی، بحران گرم شدن زمین، به عنوان مسائل اصلی بشریت مطرح می‌شود؛ اما هیچکدام از اینها مسائل اصلی بشریت نیست. بیشتر آن چیزهایی که مشکلات اصلی بشریت است، برمی‌گردد به مسائلی که ارتباط پیدا می‌کند با معنویت انسان، با اخلاق انسان، با رفتار اجتماعی انسانها با یکدیگر؛ که یکی از آنها مسئله‌ی زن و مرد، جایگاه زن، مسئله‌ی زن و شأن زن در جامعه است؛ که این حقیقتاً یک بحران است.(۹۰/۳/۱)

۷۸. از من سؤال کردند که شما در مقابل آنچه که غربی‌ها درباره‌ی مسئله‌ی زن در کشور می‌گویند، چه دفاعی دارید؟ من گفتم: ما دفاع نداریم، ما هجوم داریم! ما در مسئله‌ی زن، از غرب طلبکاریم؛ ما مدعی غربیم؛ آنها هستند که دارند به زن ظلم می‌کنند، زن را تحقیر می‌کنند، جایگاه زن را پایین می‌آورند؛ به اسم آزادی، به اسم اشتغال، به اسم مسئولیت دادن، آنها را مورد فشارهای روحی، روانی، عاطفی و اهانت شخصیتی و شأنی قرار می‌دهند؛ آنها باید جواب بدهند.(۹۰/۳/۱)

۷۹. زن ایرانی در ایران اسلامی، باید کوششش این باشد که هویت والای زن اسلامی را آن‌چنان زنده کند که چشم دنیا را به خود جلب کند. این امروز وظیفه‌ی است بر دوش زنان مسلمان... الگوی زن را نشان بدهند؛ بگویند زن مسلمان زنی است که هم دین خود را، حجاب خود را، زنانگی خود را، ظرافتها و رقتهای خود را حفظ می‌کند؛ هم از حق خود دفاع می‌کند؛ هم در میدان معنویت و علم و تحقیق و تقرب به خدا پیشروی می‌کند و شخصیت‌های برجسته‌ای را نشان می‌دهد و هم در میدان سیاسی حضور دارد. این می‌شود الگویی برای زنان. شما بدانید زنان مسلمان در بسیاری از نقاط دنیا امروز به شما نگاه می‌کنند و از شما یاد می‌گیرند.(۷۹/۶/۳۰)

۸۰. ما باید در این زمینه، خلأهای نظری را پر کنیم... باید در این بررسی‌ها، از دارائیهای علمی خودمان - که کم هم نیست - استفاده کنیم. ده‌ها نظریه و الگوی مترقی در همین زمینه‌ی زن و خانواده می‌شود استخراج کرد. اینها نظریه‌پردازی بشود، تئوریزه بشود، با جوانبش، با اجزایش، تدوین بشود و ارائه بشود. اینها کارهای میان‌مدت و بلندمدتی است که حتماً بایستی انجام بگیرد. تعالیم ناب و مترقی اسلام در قرآن و حدیث باید مورد استفاده قرار بگیرد.(۹۰/۱۰/۱۴)

۸۱. عمده‌ی کار را خود بانوان باید انجام بدهند. شما هستید که می‌توانید فکر کنید، اندیشه‌ورزی کنید، مطالعه کنید، معضلات را در مقام نظر و اندیشه حل کنید و در مقام عمل راهکار اجرائی ارائه بدهید. این، کار را بسیار آسان و نزدیک خواهد کرد.(۹۰/۳/۱)

۸۲. پروردگارا! تو را به فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها و زینب کبری علیهاسلام و مکتب روحبخش فاطمی و زینبی سوگند می‌دهیم، بانوان کشور ما را به اهداف اسلامی و والایشان نائل فرما.(۷۶/۷/۳۰)

۸۳. پروردگارا! موانع رشد و تعالی بانوان را از سر راه بردار. پروردگارا! همه ما را مشمول ادعیه زاکیه حضرت بقیه‌الله‌الاعظم قرار بده. امیدواریم که خداوند متعال همه ما را موفق و به سلامت بدارد.(۷۶/۷/۳۰)

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

منبع:

1- KHAMENEI.IR

تهیه کننده: حوزه بسیج شرکت ملی پالایش و پخش «با آرزوی بهترین‌ها» «ویرایش دوم، شهریور ۱۳۹۹»